

Short Communication

Mental health of Qazvin, Zanjan and Arak students who are the sons and daughters of victims of war (2007)

H Jahani-Hashemi* R Borji** F Shamloo*** K Noroozi Sezirood****

*Associate professor of Biostatistics, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

**General Physician

***Assistant professor of Psychiatry, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

****Consultation center, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

***Abstract**

In this study, the degree of mental health among students whose parents have been the war sacrifices and martyrs in Qazvin, Zanjan and Arak Universities of Medical Sciences was evaluated. The present work was a cross-sectional study performed on all registered students of war sacrifices and martyrs. The GHQ-28 questionnaire was used and a score of 23 considered as cut off point for general scale. The data showed that 28.6% of students under the study were suspected of having mental disorder. When the data were calculated for individual universities, the rates obtained for Zanjan, Arak and Qazvin universities were 40.7%, 26.8% and 25.6% respectively. The undergraduate students need more attention than the others do. Additionally, a combination of questionnaire methods and clinical protocols are also suggested.

Keywords: Mental health, Medical Students, Mental Disorders

Corresponding Address: Department of Biostatistics, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

Email: jahanihashemi@qums.ac.ir

Tel: +98 281 3336001 ext 321

Received: 2009/04/06

Accepted: 2009/06/20

گزارش کوتاه

سلامت روانی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه‌های علوم پزشکی قزوین، زنجان و اراک (۱۳۸۶)

دکتر حسن جهانی هاشمی* دکتر روح ا... برجی** دکتر فرهاد شاملو*** کبری نوروزی سزیرود****

*دانشیار گروه آمار حیاتی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**پزشک عمومی

***استادیار گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

****کارشناس روان‌شناسی بالینی مرکز مشاوره دانشگاه علوم پزشکی قزوین

آدرس مکاتبه: قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده پزشکی، تلفن ۰۲۸۱-۳۳۳۶۰۰۱ Email: jahanihashemi@qums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۸۸/۳/۳۰

*چکیده

این مطالعه با هدف تعیین میزان اختلال‌های روانی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه‌های علوم پزشکی قزوین، زنجان و اراک انجام شد. در این مطالعه مقطعی تمام دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه‌های علوم پزشکی قزوین، زنجان و اراک با استفاده از پرسش‌نامه GHQ-28 بررسی شدند. نقطه برش ۲۳ برای مقیاس کلی در نظر گرفته شد و در آنالیز داده‌ها از آزمون‌های آماری کای دو و تی استفاده شد. از میان ۱۵۴ دانشجوی مورد مطالعه، ۲۸/۶٪ مشکوک به داشتن اختلال روانی بودند. این میزان در دانشگاه‌های زنجان، اراک و قزوین به ترتیب ۴۰/۷٪، ۲۶/۸٪ و ۲۵/۶٪ به دست آمد که از نظر آماری معنی‌دار نبود. توصیه می‌شود به سلامت روانی دانشجویان مقاطع پایین‌تر توجه بیشتری شود و علاوه بر استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد برای مطالعه سلامت روانی دانشجویان، از روش‌های ارزیابی بالینی نیز استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: بهداشت روانی، دانشجویان پزشکی، اختلالات روانی

*مقدمه

قزوین، اراک و زنجان انجام شد. ابزار اصلی پژوهش، پرسش‌نامه GHQ-28 بود. این پرسش‌نامه ۲۸ سؤال برای ارزشیابی علایم روانی (مقیاس کلی) و چهار مقیاس فرعی (هر کدام ۷ پرسش) داشت. مقیاس‌های فرعی شامل علایم جسمانی، علایم اضطرابی، علایم کارکرد اجتماعی و افسردگی بودند. نقطه برش این آزمون در مقیاس کلی ۲۳ بود. افرادی که نمره آنها کمتر از ۲۳ بود از سلامت روانی برخوردار بودند. این مطالعه با هماهنگی ستادهای شاهد و ایثارگر هر سه دانشگاه و رعایت شرایط استاندارد (عدم قرارگیری دانشجویان در شرایط ویژه و امتحان‌ها) انجام شد. پس از توجیه دانشجویان در مورد پژوهش، تأکید بر دقت در پاسخ‌گویی به سؤال‌ها و محرمانه بودن نتایج، پرسش‌نامه‌ها توسط دانشجویان تکمیل شدند. در مرحله بعد پرسش‌نامه‌ها نمره گذاری

امروزه بر سلامت روانی دانشجویان تأکید فراوان می‌شود، زیرا آنها آینده سازان جامعه هستند. در این میان سنجش میزان سلامت روانی دانشجویان شاهد و ایثارگر به صورت خاص کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. این دانشجویان علاوه بر اشتراک با سایر دانشجویان در تمام عوامل خطرزا، مشکلات ناشی از فقدان پدر (برای فرزندان شهید)، معلولیت‌های جسمی، آسیب‌های روحی و روانی ناشی از حضور در جنگ (برای رزمندگان) و بار روانی ناشی از انتظارهای جامعه و دانشگاه از این گروه را نیز باید تحمل نمایند.

*مواد و روش‌ها:

این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۸۶ بر روی تمام دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه‌های علوم پزشکی

زنجان در مقطع کارشناسی (۶۶/۷ درصد) و در دانشگاه اراک در مقطع کارشناسی (۴۲/۹ درصد) وجود داشت که اختلاف بین سه دانشگاه معنی‌دار نبود. در مجموع سه دانشگاه، شیوع اختلال روانی در دانشجویان مقطع دکتری ۲۳/۴ درصد، مقطع کارشناسی ۳۱/۳ درصد و مقطع کاردانی ۳۵/۶ درصد بود. بین شیوع اختلال روانی و مقطع تحصیلی در هر یک از سه دانشگاه نیز اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد. بیش‌ترین موارد مشکوک به اختلال روانی در بین دانشجویان مجرد، مربوط به دانشگاه زنجان (۴۷/۶ درصد) و در بین دانشجویان متأهل مربوط به دانشگاه اراک (۳۳/۳ درصد) بود ولی اختلاف بین سه دانشگاه در این خصوص معنی‌دار نبود. همچنین بین شیوع اختلال روانی و وضعیت تأهل در هر یک از سه دانشگاه اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد، در مجموع سه دانشگاه، شیوع اختلال روانی در افراد مجرد ۲۹/۲ درصد و افراد متأهل ۲۶/۵ درصد بود. شیوع اختلال روانی در دانشجویان دوره شبانه دانشگاه قزوین ۳۳/۳ درصد و دانشگاه زنجان ۲۵ درصد بود که اختلاف معنی‌داری نداشتند (دانشگاه اراک دوره شبانه ندارد). شیوع اختلال روانی در دانشجویان دوره روزانه دانشگاه زنجان بالاتر از دانشگاه‌های قزوین و اراک به دست آمد (به ترتیب ۴۳/۵، ۲۴/۳ و ۲۶/۸ درصد)، اما این اختلاف‌ها معنی‌دار نبودند. بالاترین شیوع اختلال روانی در دانشگاه قزوین مربوط به دانشجویان شاهد و در دو دانشگاه دیگر مربوط به دانشجویان ایثارگر بود، اما این اختلاف نیز معنی‌دار نبود. در مجموع سه دانشگاه، شیوع اختلال روانی در دانشجویان شاهد ۲۷/۵ درصد، در دانشجویان ایثارگر ۳۲/۱ درصد و در دانشجویان خانواده شهدا ۲۰ درصد به دست آمد. در این مطالعه دانشجویان به دو گروه سنی کمتر از ۲۲ سال و بیش‌تر از ۲۲ سال تقسیم شدند. میزان افراد مشکوک به اختلال روانی در دانشگاه‌های قزوین و زنجان در گروه سنی اول (به ترتیب ۲۸/۸ درصد و ۴۷/۴ درصد) و در دانشگاه اراک گروه سنی دوم بیش‌تر بود (۲۸/۶ درصد)، ولی این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نبود.

شدند و وضعیت سلامت روانی هر دانشجو مشخص شد. داده‌ها با آزمون‌های آماری مجذور کای و تی تجزیه و تحلیل شدند.

* یافته‌ها:

شرکت کنندگان در این مطالعه ۱۵۴ نفر و میانگین سنی آنها $22/9 \pm 5/35$ سال بود. ۱۰۰ نفر (۶۴/۹ درصد) زن و ۵۴ نفر (۳۵/۱ درصد) مرد بودند، ۱۲۰ نفر (۷۷/۹ درصد) مجرد و ۳۴ نفر (۲۲/۱ درصد) متأهل بودند که در سه مقطع دکتری (۵۰ درصد)، کارشناسی (۲۰/۷۸ درصد) و کاردانی (۲۹/۲۲ درصد) تحصیل می‌کردند. تعداد دانشجویان دوره روزانه ۱۳۸ نفر (۸۹/۶ درصد) و دوره شبانه ۱۶ نفر (۱۰/۴ درصد) بود. دانشجویان سهمیه شاهد ۹۱ نفر (۵۹/۱ درصد)، سهمیه ایثارگران ۵۳ نفر (۳۴/۴ درصد) و سهمیه خانواده شهدا ۱۰ نفر (۶/۵ درصد) بودند. از کل دانشجویان مورد مطالعه، ۸۶ نفر (۵۵/۸ درصد) در دانشگاه قزوین، ۲۷ نفر (۱۷/۶ درصد) در دانشگاه زنجان و ۴۱ نفر (۲۶/۶ درصد) در دانشگاه اراک تحصیل می‌کردند. از میان ۱۵۴ دانشجوی مورد مطالعه ۲۸/۶ درصد مشکوک به داشتن اختلال روانی بودند، اختلاف معنی‌داری بین سه دانشگاه در این خصوص مشاهده نشد (جدول شماره ۱).

جدول ۱- توزیع افراد مورد بررسی برحسب دانشگاه محل تحصیل و وجود اختلال روانی

وجود اختلال دانشگاه محل تحصیل	بله		خیر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
قزوین	۲۲	۲۵/۶	۶۴	۷۴/۴	۸۶	۱۰۰
زنجان	۱۱	۴۰/۷	۱۶	۵۹/۳	۲۷	۱۰۰
اراک	۱۱	۲۶/۸	۳۰	۷۳/۲	۴۱	۱۰۰
جمع	۴۴	۲۸/۶	۱۱۰	۷۱/۴	۱۵۴	۱۰۰

همچنین بین شیوع اختلال روانی و جنس در هر یک از سه دانشگاه ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد. در مجموع سه دانشگاه، شیوع اختلال روانی در مردان ۲۷/۸ درصد و در زنان ۲۹ درصد بود. بالاترین شیوع اختلال روانی در دانشگاه قزوین در مقطع کاردانی (۳۵ درصد)، در دانشگاه

***بحث و نتیجه گیری:**

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های عکاشه در دانشگاه کاشان که با استفاده از GHQ-28 میزان دانشجویان مشکوک به داشتن اختلال روانی را ۲۸/۴ درصد گزارش نموده است، کاملاً مطابقت دارد. اما در مقایسه با یافته‌های وی که شیوع اختلال‌های روانی را در بین دانشجویان سهمیه غیرمناطق (شاهد، ایثارگر و جانبازان) ۳۶/۴ درصد گزارش کرده، مطالعه حاضر میزان پایین‌تری را نشان می‌دهد که با توجه به حضور دانشجویان جانباز در مطالعه عکاشه قابل توجیه است.^(۱) یعقوبی و وقار با استفاده از GHQ-28 مطالعه‌ای بر روی دانشجویان ورودی سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ دانشگاه شاهد انجام و نشان دادند ۱۱/۸ درصد از دانشجویان ورودی ۱۳۷۸ و ۱۲ درصد از دانشجویان ورودی ۱۳۷۹ مشکوک به اختلال روانی بودند. در مطالعه حاضر این میزان بالاتر بود که با توجه به تفاوت رشته‌های تحصیلی دانشجویان مورد مطالعه و فاصله چند ساله بین دو مطالعه می‌تواند قابل توجیه باشد.^(۲) شریعتی و همکاران با استفاده از GHQ-28 نشان دادند که ۴۲/۶ درصد دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران مشکوک به اختلال‌های روانی بودند.^(۳) یافته‌های این مطالعه در مقایسه با یافته‌های جهانی هاشمی و نوروزی بالاتر است، آنها با استفاده از GHQ-28 دریافتند که ۱۱/۸ درصد دانشجویان ورودی سال ۱۳۸۱ دانشگاه علوم پزشکی قزوین مشکوک به اختلال روانی بودند. این اختلاف می‌تواند به دلیل متفاوت بودن دو جامعه، جدیدالورود بودن دانشجویان و فاصله زمانی بین دو مطالعه باشد.^(۴) در مطالعه بنیتز و همکاران که با استفاده از GHQ-12 شیوع اختلال‌های روانی را در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی Chile بررسی کردند، ۴۱ درصد دانشجویان در خطر ابتلا به اختلال‌های روانی بودند.^(۵) این نتیجه به طور تقریبی دو برابر یافته‌های مطالعه حاضر است که با در نظر گرفتن متفاوت بودن جامعه مورد مطالعه و استفاده از ابزاری متفاوت می‌تواند توجیه پذیر باشد. به طور کلی

مطالعه درباره سلامت روانی دانشجویان شاهد و ایثارگر در سطحی وسیع‌تر و در دانشگاه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد، همچنین توصیه می‌شود علاوه بر پرسش‌نامه‌های استاندارد، از روش‌های ارزیابی بالینی نیز برای افراد در معرض خطر استفاده شود.

***سپاس‌گزاری:**

از همکاری دبیران ستاد دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه‌های علوم پزشکی قزوین، زنجان و اراک و تمام دانشجویانی که در این مطالعه شرکت کردند قدردانی می‌شود.

***مراجع:**

1. Akkasheh G. Assessing the mental health of university students in Kashan Medical Sciences University. *Andeesheh Va Raftar* 2000 Spring; 5(4): 11-5 [In Persian]
2. Yaghoubi H, Veghar M Available at: <http://www.iransco.org/maghaleh.asp?id=51&pag=1> Accessed in: 2001
3. Shariati M, Kaffashi A, Ghaleh Bandi MF, Fateh A, Ebadi M. Mental health in medical students of the Iran University of Medical Sciences (IUMS). *Payesh, Health Monitor (Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research)* 2002 Jun; 1(3): 29-37 [In Persian]
4. Jahani Hashemi H, Noroozi K. Mental health in students in Qazvin University of Medical Sciences. *Payesh, Health Monitor (Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research)*, 2004 Apr 3(2): 145-52 [In Persian]
5. Benitez C, Quintero J, Torres R. Prevalence of risk for mental disorders among undergraduate medical students at the medical school of the Catholic University of Chile. *Revista Medical Due Chile* 2000; 129: 137-8